

مفهوم شهید و شهادت

۱. شهید

نوع فهم دکتر شریعتی از مفهوم عالی شهید، برداشتی خالص، عمیق و ناب از فرهنگ اصیل اسلامی است. وی در تعریف کلمه «شهید» می‌گوید:

"شهید در لغت، به معنای حاضر، ناظر، به معنای گواه و گواهی دهنده و خبر دهنده راستین و امین و هم چنین به معنی آگاه و نیز به معنی محسوس و مشهود، کسی که همه چشمها به او است و بالاخره به معنی نمونه، الگو و سرمشق است.

«شهید» زنده، جاوید، حمامه ساز، عارف، آگاه، انتخاب‌گر و روزی خوار نعم الهی است و این اصیل‌ترین دریافت از متون و فرهنگ اسلامی به شمار می‌رود، چنانچه قرآن کریم نیز بدان اشاره می‌کند. دکتر شریعتی در جای دیگر می‌نویسد:

"شهید، قلب تاریخ است؛ هم چنان که قلب به رگ‌های خشک اندام، خون، حیات و زندگی می‌دهد، جامعه‌ای که رو به مردن می‌رود، جامعه‌ای که فرزندانش ایمان خویش را به خویش، از دست داده‌اند و جامعه‌ای که به مرگ تدریجی گرفتار است، جامعه‌ای که تسليم را تمکین کرده است، جامعه‌ای که احساس مسئولیت را از یاد برده است و جامعه‌ای که اعتقاد به انسان بودن را در خود باخته است و تاریخی که از حیات و جنبش و حرکت و زایش بازمانده است؛ شهید همچون قلبی، به اندام‌های خشک مرده بی‌رمق این جامعه، خون خویش را می‌رساند و بزرگ‌ترین معجزه شهادتش این است که به یک نسل، ایمان جدید به خویشتن را می‌بخشد. شهید حاضر است و همیشه جاوید؛ کی غائب است؟"

بخش فوق بیشتر رویکردی کربلایی دارد، بدین معنا که دکتر با نگاه به شهیدان کربلا و فضای حاکم بر آن، به وصف شهید پرداخته است و الا همیشه اینگونه نیست که در جامعه‌ای منحط و رو به عقب، سیمای تابناک شهید رخ نماید. شهدای جهادهای نبی اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام شاهد این ادعاست.

۲. شهادت

شهادت، بُرنده‌ترین سلاحی است که هیچ دشمنی را یارای مقاومت در برابر آن نیست، مرحوم شریعتی در این باره بحث‌های مبسوطی دارد که برای رعایت اختصار، به گزیده‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

"یکی از بهترین و حیات بخش‌ترین سرمایه‌هایی که در تاریخ تشیع وجود دارد، شهادت است."

"در فرهنگ ما شهادت، مرگی نیست که دشمن ما بر مجاهد تحمیل کند. شهادت مرگ دلخواهی است که مجاهد با همه آگاهی و همه منطق و شعور و بیداری و بینایی خویش، خود انتخاب می‌کند!... شهادت، در یک کلمه - برخلاف تاریخ‌های دیگر که حادثه‌ای است و درگیری است و مرگ تحمیل شده بر قهرمان است و تراژدی است - در فرهنگ ما، یک درجه است، وسیله نیست؛ خود هدف است، اصالت است؛ خود یک تکامل، یک علو است؛ خود یک مسئولیت بزرگ است؛ خود یک راه نیم بُر به طرف صعود به قله معراج بشریت است و یک فرهنگ است.

امروز این سخنان با پشتونه سرمایه عظیم انقلاب، جنگ تحمیلی و اندیشه‌های ناب حضرت امام قدس سره برای نسل جدید، عادی و جا افتاده شده است؛ لیکن در اوخر سال ۵۰ که این سخنرانی‌ها ایراد شده، فضای فکری جامعه دست خوش تحولات اساسی بود و لزوم ارائه مفاهیم «حماسی اسلامی» به زبان روز و متناسب با زمان، به شدت احساس می‌شد.

علاوه بر این، خفقان و امنیت پلیسی حاکم بر آن دوره تاریخی، بیانگر شهامت و شجاعت سخنران است؛ به طوری که بعد از سخنرانی «پس از شهادت» در مسجد جامع نارمک، حاضران تظاهرات با شکوهی برپا کردند.

مرحوم شریعتی شهادت را به دو بخش حمزه‌ای و حسینی تقسیم می‌کند. شهید مطهری نیز از منظری دیگر، بدان می‌پردازد؛ وی در این مورد می‌نویسد: "جناب حمزه، سیدالشهدا زمان خودش است و امام حسین علیه السلام سیدالشهدا همه زمان‌ها است."

دکتر شریعتی در این باره می‌گوید: "ما دو نوع شهید داریم؛ سابل یکی حمزه سیدالشهداء، و سابل دیگری امام حسین علیه السلام است."

برای روشن شدن تقسیم بندی فوق، مستقلاً به هر کدام می‌پردازیم.

شهادت حمزه‌ای

«حمزه یک قهرمان مجاهد است که برای پیروزی و شکستن دشمن رفته، شکست خورده و کشته و شهید شده است... حمزه و سایر مجاهدان برای پیروزی آمده بودند - البته با احتمال این که اگر هم مرگ شده، شد - و هدفشان پیروزی و شکستن دشمن بود... بنابراین شهید حمزه‌ای و شهادت حمزه‌ای، عبارت است از مردی و کشته شدن مردی که آهنگ کشتن دشمن کرده است.".

دکتر شریعتی شهدا حمزه‌ای را مجاهدانی می‌داند که نه برای شهید شدن، که کشتن و شکست دادن دشمن به میدان جهاد شتافته‌اند و شهادت، آنها را انتخاب کرده و روزی آنها شده است. به عبارتی وظیفه اولیه اسلامی شهدا حمزه‌ای، شکست دشمن و حفظ اردوگاه اسلام است، لیکن قضای الهی بر سرنوشت

ایشان، شهادت نوشته است. بنابراین، شهید حمزه‌ای آرزومند شهادت است ولی در پی آن نمی‌باشد؛ چرا که وظیفه اولیه خود را شکست دادن دشمن می‌داند. و در صورت لزوم، از شهادت استقبال می‌کند.

شهادت حسینی علیه السلام

"شهادت حسینی کشته شدن مردی است که خود برای کشته شدن خویش قیام کرده است... امام حسین علیه السلام از مقوله دیگری است؛ او نیامده است که دشمن را با زور شمشیر بشکند و خود پیروز شود، و بعد موفق نشده و یا در یک تصادف یا ترور توسط وحشی، کشته شده باشد. این طور نیست، او در حالی که می‌توانسته است در خانه‌اش بنشیند و زنده بماند، به پا خاسته و آگاهانه به استقبال مردن شتافته و در آن لحظه، مرگ و نفی خویشن را انتخاب کرده است... امام حسین علیه السلام یک شهید است که حتی پیش از کشته شدن خویش به شهادت رسیده است؛ نه در گودی قتلگاه، بلکه در درون خانه خویش، از آن لحظه که به دعوت ولید - حاکم مدینه - که از او بیعت مطالبه می‌کرد، «نه» گفت، این، «نه» طرد و نفی چیزی بود که در قبال آن، شهادت انتخاب شده است و از آن لحظه، حسین شهید است."

سمبل شهادت حسینی در این تعریف، تنها سلاح پیروز است. البته شهادت حسینی شرایط ویژه خود را می‌طلبد. وقتی ظلم، انحطاط و انحراف همه گیر می‌شود و ارزش‌های والای اسلامی مسخ می‌گردد و موعظه‌ها بر گوش‌های سنتگین کارگر نمی‌افتد؛ حسین با همه دانایی به عدم توانایی خود در پیروزی ظاهری بر دشمن، علناً به پیشواز مرگ می‌رود و با انتخاب شهادت، بزرگترین کاری را که می‌شد کرد، انجام می‌دهد.

ثمره شهادت امام حسین علیه السلام آگاهی و بازگشت مردم به هویت اصیل اسلامی و زدن داغ رسوابی گُشتن فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر پیشانی کریه حکومت یزید است.

در شهادت حسینی، وظیفه اولیه اسلامی برای یاری دین خدا، شهادت است؛ در اینجا مجاهد فی‌سبیل الله با شهادت خود، دین خدا را یاری می‌کند. شهادت عمار یاسر نیز از این قبیل است؛ لیکن انعکاس شهادت ابا عبدالله الحسین علیه السلام به دلایلی گسترده و خارج از ظرف زمان است.

در شهادت حسینی، شهید با خوب مردن پیروز می‌شود و در شهادت حمزه‌ای، با خوب کشتن. در شهادت حسینی، شهید با شکست ظاهری از دشمن پیروز می‌شود و در شهادت حمزه‌ای، شهید با پیروزی بر دشمن. در شهادت حسینی، وظیفه اولیه شهید، شهادت است و در شهادت حمزه‌ای، وظیفه اولیه شهید، مجاهدت و تلاش برای شکست دشمن است